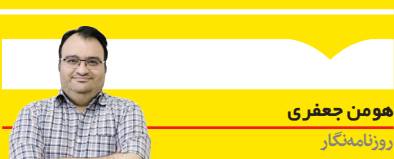




میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

سال هاست که از علی سرتیپی به‌عنوان رئیس مافیای اکران در سینمای ایران نام می‌برند و مجموع استدلال‌های او در پاسخ به این عنوان عمومیت یافته، در یک جمله خلاصه می‌شود که «قضیه راست باشد یا دروغ، من خوشم نمی‌آید مرتب مطر حشر کنید.» سرتیپی به روند متمرکز شدن سالن‌های نمایش فیلم در مناطق اعیان‌نشین شهرهای بزرگ و به‌خصوص تهران در ۶ سال اخیر سرعتی محسوس داد. او برای اینکه سهم خودش و کسانی که با سبک او کار می‌کردند را از سبد مخاطبان سینمای ایران افزایش دهد، بقیه سهامداران را حذف کرد و دایره مخاطبان سینمای ایران به‌شدت تنگ‌تر شد. کار او مثل این می‌ماند که کسی بدون وسعت دادن به مزرعه‌اش، برای اینکه درصد بیشتری از روستا را در تملک داشته‌باشد، مزرعه دیگران را زیر آب بفرستد. حالا که‌علی سرتیپی این دست فعالیت‌هایش را به نقطه اوج رسانده و میوه‌نهایی کار او با عنوان «رحمان ۱۴۰۰» در نوروز ۱۳۹۸ روی پرده‌ها رفته است، می‌شود به‌وضوح فهمید که اجازه دادن به گسترش مافیایی می‌توانست درنهایت چه صدمه‌ای به معیارهای عمومی فرهنگ در کشور بزند.

البته هر چیزی که در باره مافیای سینمای ایران مطرح می‌شود، به‌نوعی با سیاستگذاران کلان اجرایی درارتباط است و چنین جماعتی خودبه‌خود نمی‌توانستند تا به این پایه بالا بیایند. علی سرتیپی و همدستان او پای طیف گسترده‌ای از مخاطبان جدی و معقول سینما را از سالن‌ها بریدند و فیلم‌بین‌های ایران را در دو اقلیت هنر و تجربه‌ای و سینمای مبتذل ستاره‌ای محدود کردند. حالا آمارها خبر از فاجعه می‌دهند. ۹۱ درصد از مردم ایران در سال ۱۳۹۷ حتی یک‌بار هم به سالن‌های سینما نرفتند و بین ۹ درصدی که لااقل یک فیلم را دیده‌اند هم نمی‌شود عنصر اتفاق یا شیشمانی را بین کسر قابل توجهی از آنها مدنظر قرار داد. با کاتر هم قرار دادن بررسی‌های مختلف می‌شود به این درک شمی رسید که در حدود ۳ درصد از مردم ایران مخاطبان جدی سینما هستند. دلیل این مطلب نه‌بی علائقی ۹۷ درصد باقی‌مانده به سینماست و نه چیزهای دیگر. مافیا سعی کرد چنین القا کند که آن ۹۷ درصد اساسا وجود خارجی ندارد و تمام مردم ایران و سینمادوستان آن، همین ۳ درصد هستند و در این دایره محدود چیده شده و گزینشی، فیلم‌های خودش را موفق‌ترین نمونه‌ها در جذب مخاطب جلوه داد. ابتذل در حالت عادی، پس از مدتی که اشتیاق‌های اولیه نیست به سرگرمی‌سازی آن وتابو شکنی‌هایش فرونشست، دچار افول می‌شود. از کمدی‌های مبتذل ایتالیایی گرفته تا ملودرام‌های مصری، همه نمونه‌های تاریخی این را می‌گویند. فیلمفارسی ایران هم از سال‌های ۵۵ به بعد مرتب مثل چرم ساغری در حال آب رفتن بود، چنانکه حتی اگر انقلاب نمی‌شد، چیزی از آن باقی نمی‌ماند. اما چرا سینمای مبتذل ایران در سال‌های اخیر به‌رغم تمام‌شدن دوران طبیعی حیاتش همچنان زنده است و برای دهان‌هایی که به نقد او باز می‌شوند، عنوان‌های دندان‌شکنی مثل صدرنشین‌گیشه‌ها در فصل‌های پیاپی اکران یا باشکوه‌ترین استقبال مخاطبان در فرش قرمزها را در چنته دارد؟ می‌شود به‌راحتی از صاحبان مافیای سینمای ایران پرسید؛ صدرنشین کدام اکران؟ شما به عبارتی انتخابات را در پارتنی خودتان برگزار کرده‌اید و نتیجه‌گیری می‌کنید که تمام جامعه با شماست. اکران «رحمان ۱۴۰۰» که بدون ترس از دچار شدن به مبالغه



هومن جعفری
روزنامه‌نگار

«شما می‌خوای اینجا یمن بشه؟ شما می‌خوای این شرکت لیبی بشه؟» نوشتن از یک فیلم ساده نیست و سخت هم نیست. فیلم را می‌بینی، سبک سنگین می‌کنی و بعد به این نتیجه می‌رسی که از آن خوشت بیاید یا نه. این خوش آمدن هم ملاک‌ها و معیارهایی دارد که از درون خوت برمی‌آید. اینکه که هستی و که نیستی، تعریف از فیلم دیدن چیست و اینکه اصلا تعریف از فیلم خوب چقدر با چیزی که به‌تماشایش نشست‌ای همخوانی دارد. امکان دارد به سینما بروی، یک فیلم کمدی ببینی و دو ساعت تمام با آن بختنی اما وقتی بیرون می‌آیی از آن فیلم خوشت نیامده باشد. شاید برای یک بیننده عام تصور چنین موضوعی سخت باشد که مگر می‌شود با یک فیلم بختدی ولی از آن خوشت نیاید؟ بله می‌شود و رحمان ۱۴۰۰ نمونه بسیار خوبی برای این موضوع است.

کمی درموردش صحبت کنیم.

اول اینکه فیلم باید در قواره خودش حرف بزند. سال گذشته فیلم «خوب، بد، جلف» را در همین سینمایی که رحمان ۱۴۰۰ را دیدم، نگاه کردم. هم خندیدم و هم خوشم آمد. فیلم ادعایی نداشت. حرف‌گنده‌تر از دهان خودش نمی‌زد و شعار هم نمی‌داد. شوخی‌هایش بسیار خوب جا افتاده بود. ادعای کار بزرگ نداشت و واقعا به کلیشه‌های سینمایی مخصوصا کلیشه‌ی زوج افسر پلیس با همراهان ناجور و ناتو بسیار خوب بازی کرده بود. بخشی از مناسبات پشت پرده سینمایی را نیز از طریق نشان دادن عصبانیت‌های کارگردان فیلم (مانی حقیقی) که مدام از

نتیجه منطقی مافیای سینمای ایران بعد از عرض اندام چندساله

شوخی دستی با عدالت



می‌شود آن را مبتذل‌ترین فیلم به نمایش درآمده در ۴۰ سال گذشته دانست که حتی اگر شبکه‌های خبری اروپا بخواهند بخش‌هایی از آن را در یک گزارش تصویری بخش کنند، پیش از پخش تصاویر باید عبارت «هشدار! دیدن این صحنه‌ها ممکن است برای عده‌ای مناسب نباشد» را درج کنند، فیلمی که مخاطب پس از تماشاى آن وقتی از سالن بیرون آمد به‌سختی ابتدای آن را به یاد می‌آورد و غیر از تهوع‌آورترین صحنه‌های جنسی چیزی در خاطره باقی نمی‌گذارد، چطور توانست صدرنشین جدول فروش فیلم‌ها در نوروز ۹۸ شود؟ آیا مردم ایران به این درجه از ابتذل فرهنگی رسیده‌اند؟ بسیاری به غلط همین حکم ظالمانه را می‌پذیرند و تسلیم القانات مافیای تولید و اجرا می‌شوند، اما حقیقت چیز دیگری است. حتی در همین دایره محدود شده مخاطبان سینمای ایران، یعنی بین همین ۳ درصدی‌ها یا نهایتا ۹ درصدی‌ها که پای‌شان به چند پردیس شمال شهر و جلوه‌های تجملی متناسب با پسند خوی تازه‌به‌دوران‌رسیدگی است هم «رحمان ۱۴۰۰» به اندازه مجموع چهار فیلم دیگر اکران نوروزی، سالن نمایش دارد؛ وگرنه این مقدار نمی‌فروخت که از بقیه در رتبه بالاتری قرار بگیرد.

تناقض‌های سیاسی و سینمایی

ظاهرا قرار بود در این فیلم نقشی که حالا سعید آقاخانی بازی می‌کند راضاعطاران بازی کند. تیپ‌مرداصل ایرانی که به ارزش‌های سنتی‌اش وفادار است و از اصول خودش



درباره «رحمان ۱۴۰۰» و ادعاهای بزرگ‌تر از دهان فیلم

وقتی نمی‌گنجد که نمی‌گنجد!

دست تصمیمات تهیه‌کننده حرص می‌خورد، به نمایش می‌گذاشت. فیلمی بود که در محدوده گلیم خود حرکت می‌کرد و صد البته هم کارش خوب بود. البته به‌نظر من، نظر شما می‌تواند متفاوت باشد.

این اتفاق اما درمورد فیلم رحمان ۱۴۰۰ رخ نمی‌دهد. دلایلش هم این است که ادعاهای روشنفکری فیلم (شعار دادن علیه آفازاده‌های مرفه و خطاکار و پدران دوروی آنها) در بستر آن همه شوخی جنسی نمی‌گنجد. نمی‌توانسی فیلمی بسازی با ادعای حمله‌کردن به

و چرا نام آن را «رحمان ۱۴۰۰» گذاشته‌اند؟ جالوسی (با بازی‌مهران مدیری) یک‌مدیر اصولگراست که روابط تجاری عمیقی با چینی‌ها و روس‌ها دارد. او و خانواده‌اش مسبب نمادین تمام اتفاقاتی معرفی می‌شوند که جامعه ایران طی چند سال اخیر با آنها مواجه شده‌است. رحمان که دوست قدیمی جالوسی بوده، حالا آبدارچی شرکت اوست و در یک‌رستوران متروکه به‌همراه همسر و چهار فرزندش زندگی می‌کند. او فکر می‌کند که به علت نوع خاصی از سرطان قرار است بمیرد و بنابراین سعی دارد تا پسر جالوسی (با بازی محمدرضا گلزار) او را بکشد و از خانواده‌اش بتواند دیه بگیرد. ساله زن‌های خوب و فاصله طبقاتی و... با بسامد بسیار بالا در این فیلم مطرح می‌شوند و کارگردان با آنها شوخی می‌کند. درنهایت جالوسی به خاطر فسق و فجور با چند زن در یک ویلای شمال شهر دستگیر می‌شود و پسرش به بی‌قولی‌ای که رحمان در آن زندگی می‌کند می‌آید. اومی گوید متحول شدم و حق با شما بوده و ضمنا وقتی که در حال رفتن است، در یک نگاه عاشق دختر سنگین‌وزن رحمان می‌شود. البته این بخش نمایش داده شد ولی در نهایت معلوم شد همگی خواب و رویای رحمان بوده است.

فیلم پرت و پلائی بی‌منطق زیاد دارد و چون سطح کلی کار بالا نیست، پرداختن به تک‌تک آنها توجیه معقولی ندارد؛ اما یک نکته قابل توجه درخصوص این فیلم، پرداختن به موضوعاتی است که به جهان سینمایی اثر و کارگردان تپیه‌کننده و نویسندگانش ربطی ندارد. البته این خلق عجیب آقای تهیه‌کننده و کارگردان در معادلات سرمایه‌داری، تا رگی ندارد. مثلا تصویر چگوارا روی تیشرت‌های یکی از برندهای معروف تجاری خیلی‌ها را در دنیا شوکه کرد. همه می‌گفتند این مرد اگر زنده بود با یکی از چیزهایی که مبارزه‌ای می‌کرد همین برندهای سرمایه‌داری و استثمار کارگران ارزان قیمت و نفرت‌بری تاجران هیچ‌کاره و سوداگر بود. اما طنز تراژیک ماجرا همین وارونگی و قیچانه‌ای است که حتی از اسطوره خشم، تصویری برای لذت روزمره ثروتمندان می‌سازد. در همین ایران خودمان؛ در شمال شهر تهران رستورانی است که طی روزهای ماه مبارک رمضان هم غذا سرو می‌کند. اسم این رستوران بابی ساندز است و همه می‌دانند ساندز کیست. او کسی است که به خاطر اعتصاب غذا در زندان مارگارت تاچسر مرد و حالا با نامش نه پنچرگیری و لوله‌فروشی و فروشگاه مبلمان، بلکه قیقا رستوران تأسیس کرده‌اند. اینکه علی سرتیپی به کارگردانی منوچهر هادی فیلمی تهیه می‌کند که مخاطب اصلی‌اش کوروشی‌ها و به‌طور کل پردیس‌های شمال شهر هستند و در آن فیلم برای خنداندن مردم سر به سر مضامینی از قبیل زن‌های خوب و فاصله طبقاتی و... بگذارد هم جزء طنزهای تراژیک و تاسف‌بار روزگار است. اینکه اگر دولت قبل کاری می‌کرد، همان دولت متهم بود شاید منطقی به‌نظر برسد اما اینکه اگر دولت فعلی هم کاری کرده‌باز همان دولت قبل و طیف سیاسی مرتبط با آن مقصر هستند، از عجایب دیگر این فیلم است. جالوسی و پسرش به رحمان برای سال ۱۴۰۰ وعده می‌دهند و چک می‌کشند. این قسمت فیلم، از طرفی به حضور طیف سیاسی خاصی در انتخابات ۱۴۰۰ اشاره دارد که در حال حاضر روی کار نیست و از طرف دیگر مقصر اوضاع حال حاضر کشور دانسته می‌شود. سر زدن این تناقضات سیاسی از سینمای فیلمفارسی طبیعی هستند و اصولا علی سرتیپی با منوچهر هادی در این قواره ذهنی نیستند که بتوانند راجع به مسائل سیاسی و اجتماعی حرفی عمیق یا جدی بزنند اما آنها تمام سالن‌ها را در اختیار دارند و درها را روی آثار دیگر و دروازه‌ها را روی آدم‌های با استعداد، خلاق و تازه‌نفس بسته‌اند.

با هویت‌های جعلی؟ زنی که شبیه جنیفر لوزر است؟ مردی که در یک موقعیت پزشکی ناگزیر باخته شده و می‌خواهد با مرگی به دست روسای شرکتش، آینده خانواده خود را تأمین کند؟ درمورد حاج آقاایی که هم سرمردم را کلاه می‌گذارد و هم سر کارمندان خودش را و بعد هم می‌کوشد تا از طریق ازدواج سنتی فرزندش با دختری آفتاب مهتاب ندیده متعلق به یک خاندان سنتی ثروتمند، قدرت اقتصادی خود و خانواده‌اش را دوچندان کند؛ یا درمورد آفازاده‌ها ظاهرالصلاحی که چون به خلوت می‌رود آن کار دیگر می‌کند؟

طبیعتا یک داستان می‌تواند از تمام این خرده داستان‌ها تشکیل شود، اما هدف اصلی نباید فراموش شود. هدف اصلی منوچهر هادی چه بوده؟ ساختن فیلمی در مذمت سوءاستفاده آفازاده‌ها و مسئولان کشور از نجابت مردم؟ یا ساختن فیلمی مبتذل همراه با نازل‌ترین و عریان‌ترین سطح شوخی‌های جنسی؟ طبیعتا دوتایش با هم امکان‌پذیر نیست.

شاید منوچهر هادی هم مثل همان لطیفه معروف، بخندد و بگوید: «ما که انجام دادیم و شد، اما اصل مقصود همین است که نوشتیم. پند و اندرزهای فیلم رحمان ۱۴۰۰ درنهایت مثل همان سخنان بی‌معنای مهران مدیری در فیلم است که تا یکی از او یک وام کوچک می‌خواست، برمی‌آشت و فریاد می‌زد که آیا تو می‌خواهی این شرکت به سرنوشت یمن و لیبی دچار شود؟

این همه شعار سیاسی در دهان فیلمی نمی‌گنجد که از اول تا آخرش بر بستر مناسبات و شوخی‌ها و کنایه‌های جنسی ساخته شده. البته آقای هادی من سابقه ساختن

فیلم چرند و بی‌در و پیکری مثل «من سالوادور نیستم»

قبلا عیار کار خود را به نمایش گذاشته بودند. ببینیم

کمدی مبتذل بعدی‌شان در مورد چیست!

گزارش

حسینی خبر داد

برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن در ۵ بخش با حضور ۱۸۴ شرکت‌کننده

نشست خبری سی‌وششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با حضور سیدمصطفی حسینی، رئیس مرکز امور قرآنی سازمان اوقاف و دبیر برگزاری این دوره از رقابت‌ها به همراه محمدرضا مسیب‌زاده، دبیر برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن دانش‌آموزان و حامده نکوفال، دبیر برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن بانوان در سازمان اوقاف برگزار شد. در این نشست، حسینی با اشاره به رویکرد متفاوت مسابقات امسال گفت: «یکی از اشکالات این رقابت‌ها موضوع سطح فنی شرکت‌کنندگان بود که همواره مورد انتقاد قرار می‌گرفت، امسال مسابقات مانند ادوار گذشته در سه مرحله مقدماتی نیمه‌نهایی و نهایی برگزار می‌شود با این تفاوت که مرحله مقدماتی به‌صورت مکتانیه‌ای در کشور مقصد برگزار شد یعنی قاریان شرکت‌کننده در مسابقات، فایلی از تلاوت خود برای ما ارسال کردند، همچنین حافظان شرکت‌کننده هم به‌صورت آنلاین از طریق فضای مجازی مورد سنجش قرار گرفتند و نهایتا داورى ها بهممن‌ماه انجام می‌شود و ۱۸۴ شرکت‌کننده از بین ۶۳۷ شرکت‌کننده به مرحله نیمه‌نهایی مسابقات راه پیدا کردند.»

حسینی درخصوص مرحله نیمه‌نهایی این دوره از رقابت‌ها گفت: «این مرحله از روز ۲۰ فروردین‌ماه در هتل هما برگزار می‌شود و پس از آن آیین افتتاحیه رسمی مسابقات در روز ۲۱ فروردین‌ماه برگزار خواهدشد. مسئول برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم از برگزاری این دوره از رقابت‌ها در چهار روز در مصلاى بزرگ امام خمینی (ره) خبر داد و گفت: «همه مراحل فینال مسابقات بین‌المللی قرآن بزرگسالان دانش‌آموزان و روشندان طی چهارروز در مصلاى بزرگ امام خمینی (ره) برگزار می‌شود، همچنین آیین اختتامیه این رقابت‌ها ۲۵ فروردین‌ماه ساعت ۱۷ برگزار خواهد شد.»

وی درخصوص شیوه جدید برگزاری این دوره از مسابقات گفت: «البته



ما می‌توانستیم مرحله نیمه‌نهایی را هم مانند مرحله مقدماتی به‌صورت مکتانیه‌ای برگزار کنیم، اما با این کار همه اهداف مسابقات محقق نمی‌شد زیرا همه هدف ما رقابت نیست بلکه روابطی یکی از اهداف برگزاری این مسابقات است. بنابراین تصمیم بر این شد که فقط مرحله مقدماتی به‌صورت مکتانیه‌ای انجام شود، بنابراین ۱۸ بانوی شرکت‌کننده از روز ۲۰ نفر در رشته حفظ کل، ۳۰ نفر در رشته تلاوت و ۱۸ بانوی شرکت‌کننده در رشته نیمه‌نهایی راه پیدا کردند. با این کار امسال تعداد شرکت‌کنندگان حاضر در مسابقات یک‌سوم تعداد شرکت‌کنندگان سال‌های گذشته است.»

وی از برگزاری برنامه‌های جانبی مختلف درکنار مسابقات خبر داد و گفت: «درکنار این مسابقات برنامه‌های مختلفی برای عموم مردم درنظر گرفته شده که از جمله آن می‌توان به مسابقه حضوری و همچنین قرعه‌کشی اعطای کمک‌هزینه سفر به عتبات عالیات و مشهدمقدس اشاره کرد. در ادامه محمدرضا مسیب‌زاده، مسئول برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن دانش‌آموزان با اشاره به اهمیت آموزش در جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما در کشور ۱۰۷ هزار آموزشگاه داریم که از این بین ۱۰ هزار مدرسه کمتر از ۹ دانش‌آموز دارند، پنج هزار مدرسه کمتر از چهار دانش‌آموز دارند و ۱۳۰ مدرسه با یک دانش‌آموز داریم که این آمار نشان‌ه اهمیت آموزش در کشور است.»

وی درخصوص مسابقات بین‌المللی قرآن دانش‌آموزان گفت: «این رقابت‌ها سال ۹۵ بعد از ۲۰ سال وقفه کار خود را دنبال کرد و به‌صورت دو سالانه برگزار می‌شود و امسال ششمین دوره مسابقات در تهران برگزار خواهدشد.» وی به برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن دانش‌آموزان در دو بخش دختران و پسران اشاره کرد و گفت: «بخش پسران مسابقات در دو رشته حفظ کل و قرائت برگزار می‌شود و در بخش دختران هم مسابقات فقط در رشته حفظ کل برگزار خواهدشد، البته برگزاری رشته قرائت برای دختران در دستور کار ما قرار داشت اما چون شرکت‌کنندگان به‌لحاظ فنی نصاب‌های لازم را نداشتند این رقابت‌ها برگزار نمی‌شود.»

در ادامه حامده نکوفال، مسئول برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن بانوان از حضور ۱۴ داور در این رقابت‌ها خبر داد و گفت: «در این رقابت‌ها و در هر بخش یک داور ایرانی و یک داور خارجی قضاوت می‌کنند که داوران خارجی از کشورهای عراق، کویت، لبنان، بحرین و افغانستان در مسابقات حضور پیدا کردند، همچنین یک استاد راهنما، یک سرپرست هیات داوران و یک ناظر هیات داوران هم در تیم داورى حضور دارند.»

وی از برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن بانوان در هتل هما خبر داد و گفت: «این رقابت‌ها در هتل همای تهران برگزار می‌شود و درکنار برگزاری مسابقات برنامه‌های جانبی هم نظیر بازدید از مکان‌های تاریخی و دیدنی برای شرکت‌کنندگان درنظر گرفته شده است.» نکوفال برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن بانوان را نشانه اهتمام جمهوری اسلامی ایران به جایگاه زنان دانست و گفت: «این رقابت‌ها ویژگی‌هایی دارد که از جمله می‌توان به برگزاری مسابقات مطابق با استانداردهای شرعی اشاره کرد، همچنین بعداز تلاوت شرکت‌کننده به نزد استاد راهنما می‌رود و اشکالات اطلاعات را از استاد دریافت می‌کند و کارنامه دقیقی هم به هر شرکت‌کننده بلافاصله پس از تلاوت اعطا خواهد شد.»

حسینی همچنین از برگزاری دو نشست درکنار مسابقات بین‌المللی قرآن خبر داد و گفت: «درکنار برگزاری این دوره از رقابت‌ها نشست مترجمان برتر قرآن و نشست خطاطان با حضور اساتید کشورهای مختلف برگزار خواهد شد.»

همچنین در حوزه اطلاع‌رسانی هم کمپینی با عنوان بخوان در ایستگاه‌های مترو و آستان مقدس امامزادگان راه‌اندازی شده تا مردم ضمن آشنایی با آموزه‌های الهی در جریان مسابقات هم قرار بگیرند.